

پایه گذاری اولین هادر اقدسیه

هاشم آموزگار، ۱۵ سال قبل برای کسب آرامش در زندگی شهری راهی محله الهیه شد



ایستگاه اول



به محض اینکه ساختمان ماکمیل شد، تا سال ۹۴ پیلوت مجموعه را به نماز جماعت و برنامه های هیئت اختصاص دادیم. پاییز و زمستان، اهالی محله در این ساختمان، نماز مغرب و عشا اقامه کرده و برنامه های هیئتشان را برپا می کردند. خیلی صفا داشت و شلوغ هم می شد.

بهشتی حدود پانزده سال قبل بود که هاشم آموزگار به اتفاق خواهر و برادرانش تصمیم گرفتند برای ادامه سکونت در شهر مشهد از خیابان اقبال لاهوری راهی معبر اقدسیه ۵ در محله الهیه شوند. به قول خودش در آن زمان امکانات این محله، از روستاهم کمتر بود اما آرامشی داشت که نظیرش در هیچ جای شهر پیدا نمی شد. البته باتوجه به افقی که برای آینده این محدوده از شهر تصور می شد، کار خانواده آموزگار جنبه سرمایه گذاری هم داشت. حالا از آن روزها پانزده سال می گذرد و هاشم آقا و خانواده اش ساکن همان بنایی هستند که خودشان ساختند. از هاشم آموزگار هم در محله به واسطه فعالیت های فرهنگی و دغدغه های شهری و محلی اش، به نیکی یاد می شود. یک روز پاییزی، ساعتی رادر خیابان اقدسیه پایین شهر و نوازندگان را دیدم و خاطراتش رادر الهیه مرور کردیم.

ایستگاه دوم

هم زمان با شروع ساخت خانه در سال ۱۳۹۰، عضو هیئت امنای مسجد در حال ساخت جوادالائمه (ع) در اقدسیه ۳ شدم. زمینش را حاج آقا عنبری وقف کرده بود و ما کار ساخت مسجد را آغاز کردیم. پیگیری کارهای مصالح و استاد بنا و... بامن بود و خدا را شکر توانستیم کار را با همکاری اهالی محله پیش ببریم.



ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم



تا سال ۱۳۹۵ بازار محله خیابان بوستان در محله جاهد شهر، نزدیک ترین بازار به خانه و زندگی ما بود که فاصله زیادی با ما داشت. ولی چاره ای نبود و برای خرید میوه و وسایل خانه باید این راه را می رفتیم.



ایستگاه پنجم

این فضا در اقدسیه ۳ که الان در اختیار آموزش و پرورش است، زمین ناهمواری بود. سال ۱۳۹۴ آن را صاف کردم، تیر دروازه گذاشتم و ورزش را مرتب کردم تا یک زمین فوتبال خاکی باشد؛ به نظرم اینجا اولین زمین ورزشی محله الهیه بود.



خیلی از اهالی وبه ویژه مسن ترهای محله، به واسطه راه اندازی برنامه زیارتی حرم، من را می شناسند. این برنامه را هفت سال قبل آغاز کردیم و روزهای دوشنبه، سالمندان عزیز را راهی زیارت حرم امام رضا (ع) می کنیم.



نانوایی اقدسیه ۶، تنها نانوایی در محدوده زندگی ما بود. درست است که از مادور بود اما به یمن خلوتی محله و سکونت کم، همیشه خلوت بود و نان خوبی هم داشت. بعد ادو نانوایی کنار خانه ما مشغول به فعالیت شد.